گزارش

سِرِ صدرنشینی

راز پرفروش‌شدن آثار ادبیِ در گفت‌وگو با کسانی که تجربه آن را داشته‌اند

رضوانی | «بِست‌سِلِر» یا پرفروش، در دنیای ادبیات به آثاری گفته می‌شود که برای مدتی توجه مخاطبان و بازار ادبی جامعه‌ای را به خود جلب می‌کنند و در مدتی کوتاه به فروش بالا و گاه چندده‌هزار نسخه‌ای می‌رسند. مردم برای آثار پرفروش صف می‌بندند و این آثار خواهی‌نخواهی پایشان به رسانه‌ها یا فضای مجازی باز می‌شود و بعد از این بر لشکر مخاطبانشان افزوده می‌شود. البته تب برخی از این آثار پس از مدتی فروکش می‌کند، اما برخی دیگر تا سال‌ها به حیات خود در رگ‌های ادبی جامعه ادامه می‌دهند. اما چه چیزی باعث می‌شود اثری پرفروش شود؟ این سؤالی است که از سابیر هاکا، شاعر مجموعه شعرهایی مانند «دوری مثل آخرین طبقه یک آسمان خراش» و «می‌ترسم بعد از مرگ هم کارگر باشم»، فرهاد جعفری، نویسنده رمان «کافه پیانو» و مریم مفتاحی، مترجم رمان‌های پرفروش «من پیش از تو» و «من پس از تو»، پرسیدیم. آنچه در پیش دارید، نظر آنان در مورد راز پرفروش شدن است.

داشتن صداقت و پاسخ به نیاز مخاطب در جذب خواننده مؤثر است

سابیر هاکا، شاعر مجموعه‌هایی مانند «دوری مثل آخرین طبقه یک آسمان خراش» و «می‌ترسم بعد از مرگ هم کارگر باشم» که آثارش به چاپ‌های متعدد رسیده است، پیش از پاسخ به پرسش ما با نگاهی انتقادی به آثار پرفروش نگاه می‌کند و می‌گوید: پرفروش شدن ترسناک است. با نگاهی گذرا به تاریخ می‌بینیم آثاری که پرفروش بوده‌اند و برایشان صف می‌بسته‌اند، آثاری بوده‌اند که بار ادبی نداشته‌اند یا چیزی درونشان نبوده است. ما در تاریخ ادبیات ایران هیچ‌کس را نداریم که به اندازه مهدی سهیلی فروش داشته باشد و بعد از آن مریم حیدرزاده. از طرف دیگر بحث حمایت‌ها هم در فروش مؤثر است. الان کتابی داریم که چاپ سیصدم است. ببینید چقدر از فروش این کتاب در کتاب‌فروشی‌ها و چقدر از آن با حمایت نهادها بوده است. با گسترش شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام هم می‌بینید نویسنده‌هایی یک‌شبه مثل بوته خیار شکوفا و به بازار عرضه می‌شوند.

او در ادامه بحث خود را به کتاب‌ها و ادبیات خوب محدود می‌کند و می‌افزاید: همه کتاب‌هایی که دیده و خوانده می‌شوند چند مؤلفه دارند؛ یکی صداقتی است که با مخاطب دارند، دیگر اینکه چیزی دارند که نیاز مخاطب است، از طرف دیگر نویسنده یا شاعری که بخواهد مخاطب را آگاه کند یا صداهای فروخورده را مطرح یا چیزی را کشف کند که برای مخاطب تازه باشد نیز اثرگذار است. بشر به نوعی شگفتی را دوست دارد. وقتی شاعر بتواند جهان جدیدی را به مخاطبش نشان بدهد و دست مخاطبش را بگیرد و برای یک لحظه که شده او را از دنیای خسته‌کننده و ملال‌آور بیرون ببرد، دیده می‌شود. اگر شاعر بتواند درِ تازه‌ای را به جهان مخاطب باز کند موفق می‌شود و کتابش کتابی خواهد بود که می‌تواند مخاطبش را نشان دهد.

او در مورد مجموعه شعرهای خودش می‌گوید: در آثار خودم به نوعی تمام سعی‌ام این بوده است که دردی از دل مخاطبانم کم کنم و همچنین به سمت ادبیات ناب و حرفه‌ای هدایتشان کنم.

توصیه مهم این است: «برای زنان تولید کن»

فرهاد جعفری، نویسنده رمان پرفروش «کافه پیانو» در پاسخ به سؤال ما، راز پرفروش شدن آثار ادبی را نوشتن برای زنان و در کانون قرار دادن آن‌ها می‌داند: همه‌جای دنیا هر کس می‌خواهد وارد کار تولیدی شود، بیزنس‌من‌های حرفه‌ای و باسابقه، نخستین توصیه‌ای که به او می‌کنند این است که «هرچه می‌خواهی تولید کنی، برای زن‌ها تولید کن. فروشت تضمین شده است!» چه آن کالا لباس باشد، چه عطر و چه جوراب. «کافه پیانو» هم ۳ شخصیت زن دارد؛ گل گیسو که دهه‌هفتادی است، صفورا که دهه‌شصتی است و پری‌سیما که دهه‌پنجاهی است. این است که تقریبا از هرده سنی، یک زن در این رمان هست و هر خانمی هم که این کتاب را بخواند قادر خواهد بود گذشته، حال یا آینده خودش را در هریک از این ۳ نفر یا در هر ۳ نفر ببینند. البته نحوه داستان‌گویی و روایت و لحن و آهنگِ مناسب هم در استقبال از یک اثر مهم است که نویسنده‌ای از آن برخوردار است و نویسنده دیگری نیست. اما اصلی‌ترین دلیل فروش کافه پیانو همین است که گفتم.

او در پاسخ به این سؤال که رمان «همسایه‌ها»ی احمد محمود می‌تواند مثال نقضی برای این نظر باشد، خاطرنشان می‌کند: دوره‌های زمانی متفاوت و ساخت اقتصادی‌ای را که بر یک جامعه حاکم است باید در نظر گرفت. دورانی که «همسایه‌ها» نوشته و منتشر شد، روزگاری بود که جامعه ایرانی به تازگی از دوران زمین‌داری خارج شده و در حال صنعتی شدن و توسعه‌یافتگی شهری بود. بنابراین کماکان قصه‌های کارگری و کشاورزی، یا ادبیاتی که راوی طبقاتِ فرودست و حاشیه‌نشین بود مورد اقبال عمومی قرار می‌گرفت. اما حالا که جامعه ایرانی به مراتب شهری‌تر شده است بدیهی است که آثاری مورد استقبال واقع شوند که راویِ انسان و جامعه شهری شده‌اند.

نویسنده‌هایی که از مشترکات انسان‌ها می‌گویند

مریم مفتاحی، مترجم تعدادی از پرفروش‌ترین رمان‌های چند سال اخیر مانند «من پیش از تو» و «من پس از تو» نوشته جوجو مویز، سؤال ما را این‌گونه پاسخ می‌دهد: عوامل متعددی وجود دارند که در پرفروش شدن اثری نقش ایفا می‌کنند؛ نویسندگانی که آثارشان طیف وسیعی از خوانندگان را شامل می‌شوند، ذهن و نگاهی گسترده و عام به انسان و محیطش دارند و مسائلی را مطرح می‌کنند که افکار و آمال و حسرت‌ها و چراهایی در ذهن انسان ایجاد کرده است. این آثار غالبا به انسان به عنوان موجودی عام می‌نگرند و حول‌وحوش مسائلی می‌گردند که دغدغه‌های همگانی و عام‌تری هستند. چراها و نحوه پرداختن به این چراها و چگونگی بیانشان موجب می‌شود توجه بیشتری جلب این آثار شود. نویسندگان این آثار عموما به کشف انسان می‌پردازند و «من» را در برابر «من» می‌گذارند و «من» و دغدغه‌هایم را پیش چشمم می‌گسترانند. نویسندگان آثار پرفروش به مسائلی می‌پردازند که سؤال خواننده است یا می‌تواند باشد. آن‌ها انگشت روی نکاتی می‌گذارند که خوانندگان وسیع‌تری به همذات‌پنداری کشانده شوند. آثار پرفروش معمولا به وجه اشتراک انسان‌ها می‌پردازند و نویسنده پرفروش می‌داند انسان‌ها چه وجوه مشترکی دارند و با دستمایه قرار دادن این مشترکات طیف وسیعی را دور خود جمع می‌کند. اگر انسان‌ها خودشان را در اثری ببینند توجه‌شان بیشتر جلب می‌شود و این انگیزه‌ها خواننده را مجذوب خود می‌کند. معمولا در آثار پرفروش، احساسات آدمی رنگ و بویی خاص دارد و انسان‌ها خودشان را راحت در آن‌ها می‌بینند. او همچنین قصه‌مدار بودن اثر را در میزان فروش آن بسیار تأثیرگذار می‌داند و می‌افزاید: این آثار عموما از ادبیاتی ساده برخوردارند و خوش‌خوان تلقی می‌شوند. نثرها پیچیدگی خاصی ندارند و خواننده با لذت صفحه به صفحه پیش می‌رود. تعلیق نیز در این آثار بسیار قوی عمل می‌کند.

صاحب خبر

در مراسم رونمایی از اسناد مسجد گوهرشاد بیان شد

مدون‌ترین مجموعه اسناد برای اداره یک مسجد

هم‌زمان با سالروز آغاز ساخت مسجد گوهرشاد در مشهد، روز سه‌شنبه از اسناد قدیمی مرتبط با این رویداد در گنجینه رضوی با حضور مسئولان فرهنگی رونمایی شد. به گزارش ایرنا، مدیرکل اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی در این مراسم گفت: ساخت مسجد گوهرشاد مربوط به سال ۸۱۸ قمری است که از سوی بانو «گوهرشاد آغا» وقف شد و این وقف‌نامه جامع‌ترین در نوع خود از نظر متن، ادبیات، طلیعه و پیش‌بینی‌هاست. حجت‌الاسلام محمد احمدزاده افزود: گوهرشادخاتون در این وقف‌نامه تولیت مسجد را به نسل خود واگذار کرده و میان دختر و پسر تفاوتی قائل نشده است. تولیت مسجد گوهرشاد طبق این وقف‌نامه پس از انقراض نسل گوهرشاد، به سید حمید علوی و اولادش می‌رسد و در صورت انقراض اولاد او به یکی از صلحای سادات مشهد تعلق پیدا می‌کند.

۳۰۰۰ برگ سند مربوط به مسجد گوهرشاد

زهرا طلایی، کارشناس اداره اسناد سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی نیز گفت: اسناد رونمایی‌شده در این مراسم، شیوه اداره مسجد را در مدت ۵۰۰ سال نشان می‌دهد که یکی از مدون‌ترین مجموعه اسناد در مورد شیوه اداره یک مسجد در جهان اسلام است و محتوای آن‌ها بیانگر کارکرد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این مسجد است.

او اظهار کرد: در مجموع اسناد مسجد گوهرشاد با برخی اسناد مرتبط به بیش از ۳۰۰۰ برگ می‌رسد که قدیمی‌ترین سند در این موضوع، متعلق به سال ۱۰۱۷ هجری قمری و دوره شاه عباس اول است که از محمد صالح به عنوان فراش مسجد جامع نام برده شده است.

ثبت مسجد گوهرشاد در حافظه جهانی

علی سوزنچی، مدیر مرکز نسخ خطی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، نیز در این مراسم از ثبت شماری از اسناد و نسخ خطی نفیس این سازمان در کمیته ملی حافظه جهانی خبر داد و گفت: کمیته حافظه ملی، زیرمجموعه حافظه جهانی در ایران است، این کمیته در سال ۱۳۸۴ در کشور به ریاست کتابخانه ملی تأسیس شد.

او با اشاره به مجموعه‌های ثبت‌شده آستان قدس رضوی در حافظه جهانی افزود: مجموعه اسناد و تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه ثبت جهانی شده است و مجموعه‌های اسناد مسجد گوهرشاد و اسناد تشکیلات اداری دوره افشاریه هم ثبت ملی شده‌اند. این درحالی است که مقدمات ثبت ملی مجموعه‌های دیگری هم در حوزه اسناد فراهم شده و فرایند ثبت اسناد مسجد گوهرشاد نیز از حافظه ملی به حافظه جهانی در حال انجام است.

رویداد

جشنواره نشان دهخدا دوسالانه شد

مدیرعامل انتشارات علمی و فرهنگی اعلام کرد جشنواره نشان دهخدا (انتخاب کتاب سال اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های سراسر کشور در حوزه علوم انسانی) که پیش از این هر سال برگزار می‌شد از این به بعد دوسالانه شده و امسال برگزار نخواهد شد. به گزارش ایرنا، مسعود کوثری اظهار کرد: این جشنواره امسال مراحل نهایی خود را به انجام رسانده و برگزیدگان خود را نیز شناخته است. اما به منظور همراهی اهالی فرهنگ با شرایط اقتصادی جامعه، صرفه‌جویی در هزینه‌های ادارات دولتی و نیمه‌دولتی و همچنین رسیدگی بیشتر به وضعیت معیشتی کارکنان، جشنواره نشان دهخدا امسال برگزار نمی‌شود و به سال آینده موکول می‌شود. در گزارش‌های پیشین این جشنواره اعلام شده بود که آیین پایانی پنجمین دوره جشنواره نشان دهخدا در تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۹۸ برگزار خواهد شد. براساس گزارش انتشارات علمی و فرهنگی ۶۳۰ عنوان کتاب از ۷۰ ناشر دانشگاهی و پژوهشی، همچنین صاحبان آثار برای این دبیرخانه ارسال شده است که از این تعداد ۶۱ عنوان از ۲۹ ناشر به مرحله داوری نهایی رسیده است. جشنواره نشان دهخدا در این دوره کتاب‌های تألیفی یا تصحیحی اعضای هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها را که در سال ۱۳۹۷ برای اولین بار و در حوزه علوم انسانی به چاپ رسیده‌اند بررسی و بهترین‌ها را به جامعه فرهنگی و علمی کشور معرفی می‌کند.

کتابخوان

جلد دوم «اولیس» به زودی منتشر می‌شود

جلد دوم رمان «اولیس»، نوشته جمیز جویس، با ترجمه فرید قدمی به زودی منتشر می‌شود. «اولیس» که آن را مهم‌ترین رمان قرن بیستم و از بزرگ‌ترین رمان‌های تاریخ ادبیات می‌دانند، در ایران با ترجمه فرید قدمی، توسط انتشارات مانیاهنر در حال انتشار است. قدمی به خبرگزاری مهر گفته است که جلد دوم این رمان برای دریافت مجوز انتشار در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و گمان می‌رود بی هیچ مشکلی مجوز انتشار بگیرد و در همین آبان‌ماه منتشر شود. ترجمه جلد نخست در نمایشگاه کتاب امسال (اردیبهشت ۱۳۹۸) با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه، ۱۹۰ صفحه و بهای ۲۶ هزار تومان توسط انتشارات مانیاهنر در دسترس مخاطبان قرار گرفت که با استقبال مخاطبان به چاپ‌های متعدد هم رسید. از دیگر ترجمه‌های این مترجم از جویس می‌توان به ترجمه کامل اشعار جویس و نمایشنامه «تبعیدی‌ها» اشاره کرد. او همچنین ترجمه کتاب‌هایی چون «هایکوهای آمریکایی» و «دور از بودا» از جک کرواک، «ای ناخدا ناخدای من» اثر والت ویتمن، «یکی آمریکا را به باد داد» نوشته امیری باراکا، «جلجتا» و «گربه و ماه» هر ۲ از ویلیام باتلر ییتس، «ویلارد و جایزه‌های بولینگش: یک رمان زیادی جنایی» اثر ریچارد براتیگان، «روزهای آرام در کلیشی» اثر هنری میلر، «خفاش‌ها در آستانه خودکشی» اثر سمیح القاسم، «جوراب ساق بلند سفید» اثر دی.اچ. لارنس را در کارنامه خود دارد.

مجله خوان

«آزما» با نگاهی به «زنان در جهان رسانه» منتشر شد

صدوچهل‌ویکمین شماره از ماهنامه فرهنگی‌اجتماعی «آزما»، ویژه هنر و ادبیات، با بررسی پرونده «زنان در جهان رسانه» منتشر شد. در این شماره که شامل بخش‌های «از یادها»، «نیم‌نگاه»، «میزگرد»، «پرونده»، «یادداشت»، «شعر خودمان»، «شعر دیگران» و... است، گفت‌وگوهایی با مینو بدیعی، ناصر بزرگمهر، علی‌اکبر قاضی‌زاده و سیدعلی میرفتاح درباره حضور زنان در جهان رسانه منتشر شده است.

به گزارش ایسنا، همچنین در بخش پرونده علاوه بر یک گزارش و چند گفت‌وگو، مطالبی با عنوان‌های «نخستین روزنامه‌نگار زن دنیا: پیام‌آور صلح» و «مارتا گلهورن، آتشفشانی که خاموشی را تاب نیاورد»، «جنگ‌نگارانی که با جنگ جنگیدند...»، «مری کولوین خبرنگاری با چشم‌بند سیاه» و «هدف غیرممکن است!» آمده است. «این نوابغ در کجا محک خورده‌اند» نیز یادداشت حافظ موسوی در این شماره از «آزما»ست. شماره ۱۴۱ «آزما» با قیمت ۱۵ هزار تومان منتشر شده است.

صاحب خبر

نامزدهای مستندنگاری جایزه «جلال» معرفی شدند

هیئت داوران بخش «مستندنگاری» دوازدهمین دوره جایزه ادبی «جلال آل احمد»، اسامی ۵ نامزد راه‌یافته به مرحله نهایی این بخش را به ترتیب الفبای نام آثار به این شرح اعلام کرد: «اردوگاه اطفال» به قلم احمد یوسف‌زاده از انتشارات سوره مهر، «دست‌نیافتنی» نوشته علی‌رضا حیدری و طاها صفری از نشر گلگشت، «سرزمین خارج از نقشه» خاطرات عجیب یک معلم بر اساس زندگی عزیز محمدی‌منش، نوشته علی نورآبادی از مؤسسه انتشارات قدیانی، «قطارباز، ماجرای یک خط» نوشته احسان نوروزی از نشر چشمه و «نقاشی قهوه‌خانه؛ خاطرات کاظم دارابی متهم دادگاه میکونوس» نوشته محسن کاظمی از انتشارات سوره مهر. این ۵ اثر به داوری مرتضی سرهنگی، ساسان ناطق و میثم امیری به مرحله نهایی دوازدهمین دوره جایزه ادبی «جلال آل احمد» راه پیدا کردند.

به روایت تصویر

طلای سرخ تربت‌حیدریه در قاب عکاسان

جشنواره ملی عکس زعفران تربت‌حیدریه وزاوه با هدف معرفی زعفران به‌عنوان محصول پایه این خطه که بزرگ‌ترین تولیدکننده طلای سرخ در جهان به‌شمار می‌رود و نیز برای کمک به افزایش سرانه مصرف زعفران، چندسالی است در خراسان بزرگ برگزار می‌شود. پنجمین دوره این رویداد نیز امسال به مدت چهار روز با حضور خبرنگاران، خبرگزاری‌ها و همچنین عکاسان و تورهای گردشگری داخلی و خارجی در سطح مزارع زیر کشت زعفران در منطقه تربت‌حیدریه برگزار شد. به گفته سلیمان گلی، دبیر پنجمین جشنواره ملی عکس زعفران تربت‌حیدریه وزاوه، از ابتدای مهر بیش از ۳۰۰ رزومه عکاسی در بخش‌های مختلف به دبیرخانه ارسال شده بود که درنهایت بیش از ۱۰۰ عکاس برای حضور در این رویداد دعوت شدند. همچنین امسال علاوه‌بر رسانه‌های داخلی، رسانه‌های تصویری و بین‌المللی همچون آناتولی ترکیه، فرانس ۲۴ فرانسه، شبکه العالم، خبرگزاری آسوشیتدپرس و چندین شبکه بین‌المللی دیگر شرکت کردند. پنجمین دوره جشنواره ملی عکس زعفران تربت‌حیدریه وزاوه ۱۷ آبان با اعلام برگزیدگان به پایان رسید. بر این اساس از میان ۲ هزار و ۵۰۰ عکس رسیده به دبیرخانه جشنواره، هادی دهقان‌پور از سبزوار، عادل عزیزی از اراک و علیرضا رحمانی از تاکستان به‌عنوان نفرات اول تا سوم این دوره از جشنواره معرفی شدند.

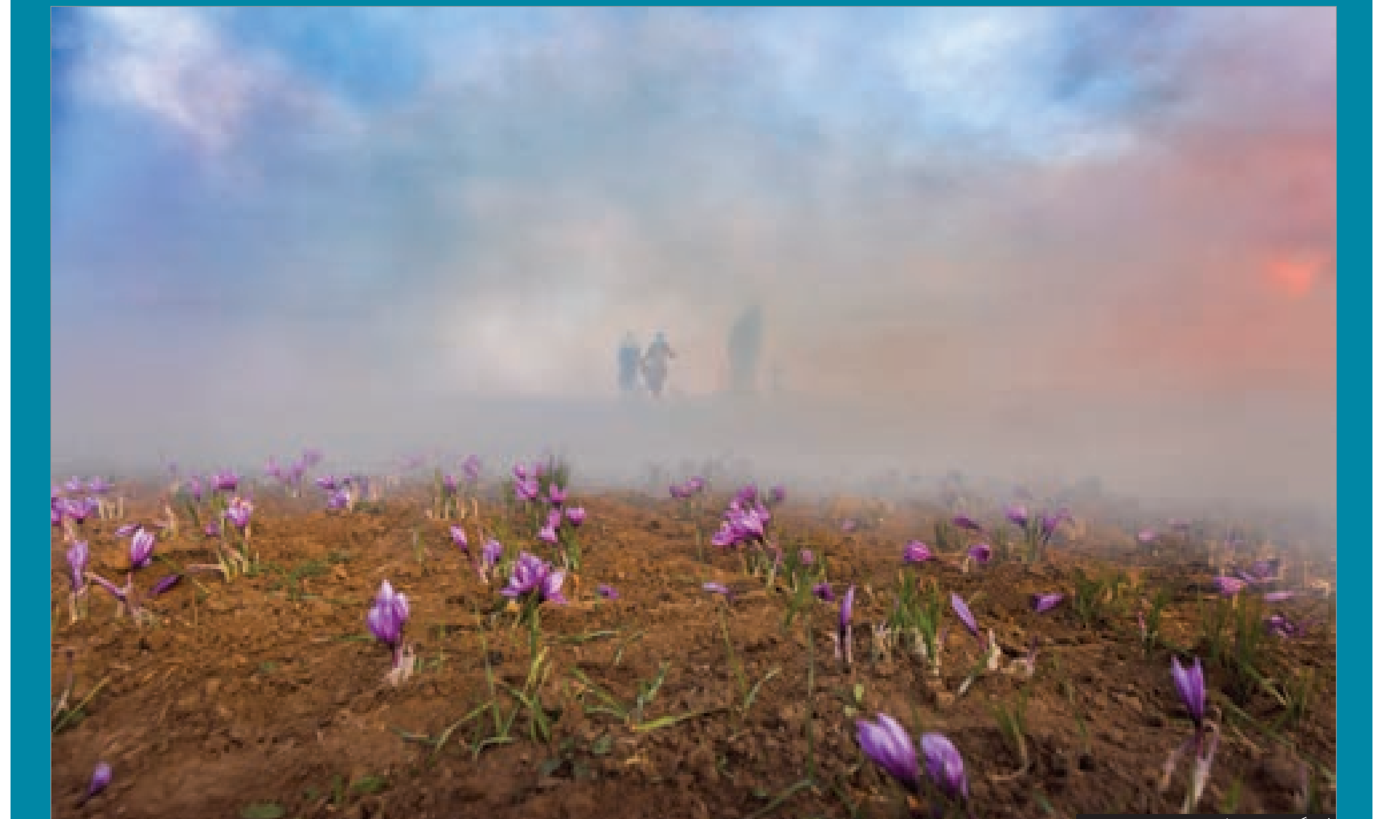
اثر برگزیده اول، عکاس: هادی دهقان‌پور

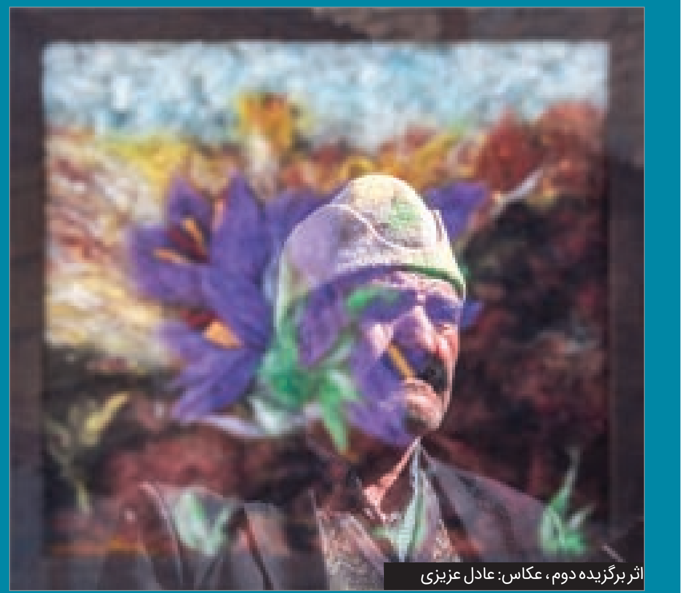
اثر برگزیده دوم، عکاس: عادل عزیزی

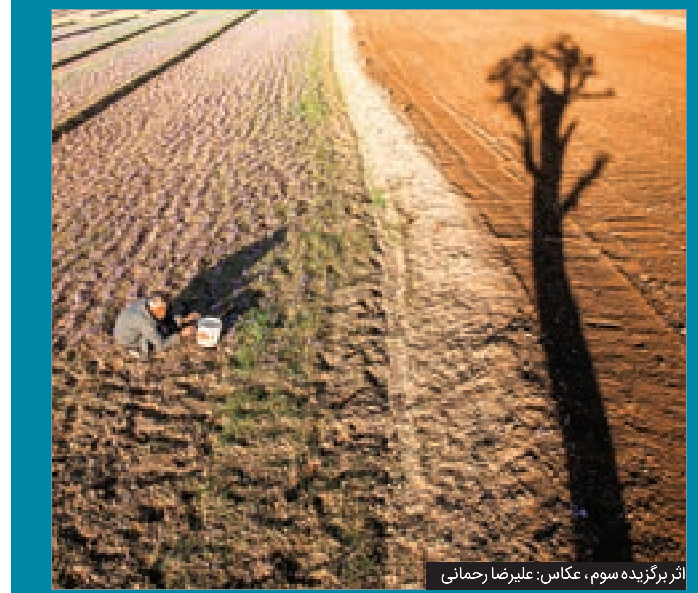
اثر برگزیده سوم، عکاس: علیرضا رحمانی

عکاس: سید رسول عزیزی

عکاس: مهدی سپهری

عکاس: مرتضی جدی

عکاس: نیلوفر محمودیان

زندگی با سینما

هزارتویی در کار نیست!

نگاهی به اولین فیلم بلند سینمایی امیرحسین ترابی که جزو پرفروش‌ترین‌های گیشه است

شریف شیرزاد| شهاب حسینی از آن‌ور دنیا پیام فرستاده و گفته است: «سلام. ساختن فیلم خوب وظیفه هر فیلم‌سازی است، فیلمی بسازد که در شأن حضور تماشاگرانش باشد. فکر می‌کنم امیرحسین ترابی توی اولین تجربه فیلم بلند سینمایی خودش موفق شده این کار را انجام بدهد. فیلم "هزارتو" به‌نظرم فیلم خوبی است که ما با عشق و علاقه کار کرده‌ایم. امیدوارم حالا که قرار است اکران بشود شما تماشاگرهای عزیز، مردم خوب از آن استقبال کنید، ببینید و لذتش را ببرید! در پناه خدا! به امید دیدار!» این‌ور دنیا هم مردم، دعوتِ سوپراستار را شنیده یا نشنیده، آن را اجابت کرده و لبیک گفته‌اند، نشان به آن نشان که فیلم ترابی -که البته یک سوپراستار دیگر، یعنی ساره بیات، هم در آن بازی می‌کند- در مدت کوتاهی بیشتر از سه‌میلیارد فروخته است. می‌شود ادعا کرد که «هزارتو» از آن فیلم‌هایی است که روی کاکل سوپراستارها و عوامل اسمی‌اش می‌چرخد، زیرا، برخلاف گفته حسینی، امیرحسین ترابی فیلم خوبی نساخته است که کسی مشتاق دیدنش باشد؛ دست‌کم، فیلمنامه طلا معتقدی که نویسنده بی‌تجربه‌ای هم نیست آن‌چنان نیست که یک کارگردان، هرچند کاربلد، بتواند فیلم خوبی از آن دربیاورد. داستان «هزارتو» از این‌قرار است که امیرعلی (شهاب حسینی)، بعد تصادف به‌همراه دوستش، اسفندیار، که منجر به فوت او می‌شود، با زن پابه‌ماه اسفندیار، یعنی نگار (ساره بیات)، ازدواج می‌کند. شاید چهارپنج سال بعد، درآستانه مهاجرت این خانواده نوپا به آمریکا، امیرعلی که با پسر ناتنی‌اش، یعنی بردیا، به خرید رفته است او را گم می‌کند و به‌این‌ترتیب تلاشی برای یافتن پسرک آغاز می‌شود، درحالی که شک‌وشبهه‌های بسیاری در کار است. اما بسیاری از این شک‌وشبهه‌ها هیچ اساسی ندارند؛ کارگردان و فیلمنامه‌نویس‌اند که می‌خواهند، به هر قیمتی، چند شبه‌مسئله را به‌جای مسائلی واقعی به خورد ما بدهند. به‌نظر می‌رسد اصلا هزارتویی در کار نیست که کسی در آن گیر افتاده باشد؛ راه دَررو کاملا پیداست. ببینیم «هزارتو»یی که کارگردان و فیلمنامه‌نویس از آن دم می‌زنند چیست: اولِ کار، برادر نگار، یعنی نریمان (پژمان جمشیدی) به پلیس‌ها می‌گوید که امیرعلی پدر واقعی بردیا نیست. بعد، می‌فهمیم که امیرعلی با آقای جمالی، پیمانکارش، اختلاف دارد. پس از آن، می‌فهمیم که نگار برای ثروت امیرعلی تن به ازدواج با او داده است و با پول او خرج مادر و برادرش را هم می‌دهد. بعدش، پی می‌بریم که امیرعلی، برای ملاقات با بیتا (غزاله نظر) که معشوقه پنهان او و البته دوست خانوادگی ایشان است، بردیا را در ماشین تنها گذاشته است. پس از آن، بنابر آنچه دوربین‌ها ضبط کرده‌اند، می‌فهمیم که یک مرد جوان در لباسی ورزشی بردیا را دزدیده است، کسی که شاید نریمان باشد که شغلش به ورزش ربطی دارد. آخر هم، پی می‌بریم که در تصادف امیرعلی و اسفندیار اصلا اسفندیار راننده نبوده است، بلکه امیرعلی، آن هم در حالت مستی، پشت فرمان نشسته بوده است و اصلا به‌دلیل عذاب‌وجدان با نگار ازدواج کرده است. آخر فیلم، زنی که گویا یکی از سارقان کودک است با امیرعلی تماس می‌گیرد و به او می‌گوید که می‌تواند دَرازاء پرداخت پول کلانی بردیا را تحویل بگیرد. چنین می‌شَود، اما سارق اصلی بیتاست که با «داریوش»نامی طرح این سرقت را ریخته است. خب، شاید بشود نمازخواندن با ناخن لاک‌زده یا سالم‌بودن ماشین پس از برخورد شدید با دیوار را توجیه کرد، اما همچنان چند مسئله توجیه‌ناپذیر باقی می‌ماند که من فقط دوتا از آن‌ها را ذکر می‌کنم: چطور پلیس بعد تصادف امیرعلی و اسفندیار نفهمیده چه کسی پشت فرمان بوده است؟ چطور پلیس مکالمات امیرعلی را که از همان اول مشکوک است کنترل نمی‌کند؟ این دو پرسش که به‌نظر نمی‌رسد جوابی داشته باشند نشان می‌دهند فیلم اساسا بحرانی ندارد که پیچیده هم باشد! ماجرا بی هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای شروع می‌شود و بی هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای هم به‌پایان می‌رسد!

زندگی با طراحی

هنری که جدی گرفته نمی‌شود

برگزاری رویدادهای تصویرگری در گروهمدلی هنرمندان این رشته

طرح: Craig Frazier

افخمی| چند سالی می‌شود که نیمه آبان به‌عنوان هفته تصویرگری در تقویم سالانه تصویرگران به ثبت رسیده است، از این‌رو هرساله انجمن تصویرگران ایران در آبان، رویدادهایی چون نمایش آثار سالانه اعضای انجمن و کارگاه‌های آموزشی را در تهران برگزار می‌کند اما در سال‌های اخیر هیچ زمان در هفته تصویرگری، اتفاق برجسته‌ای برای هنرمندان این رشته در مشهد روی نداده است. نبود انجمنی مستقل برای رشته تصویرگری و توجه نکردن مسئولان مربوط به این رشته را می‌توان از دلایل اصلی غفلت از این رویداد در مشهد دانست. امسال نیز فقط موسسه آموزش‌عالی فردوس برای هفته تصویرگری برنامه‌هایی چون سخنرانی‌های علمی، کارگاه‌های تخصصی و نمایشگاه آثار تصویرسازی استادان، دانشجویان و هنرمندان تصویرگر را تدارک دیده است؛ اتفاقی که برای قدم اول خوب است اما همچنان راضی‌کننده نیست.

رقابت‌های ناسالم

سارا دستمالچیان، نبود انجمنی مستقل و دورهم جمع نشدن هنرمندان را دلیل کم‌رونق برگزار شدن هفته تصویرگری در مشهد می‌داند. به نظر این تصویرگر، هنرمندان مشهدی کار گروهی را بلد نیستند و رقابت ناسالمی میان آن‌ها درجریان است، از این‌رو هر زمان می‌خواسته‌اند انجمنی تشکیل دهند، دلخوری پیش آمده و انجمن منحل شده است.

او با اشاره به برنامه‌های هفته تصویرگری تهران، از تعامل خوب هنرمندان این شهر با یکدیگر می‌گوید: هنرمندان تهرانی در یک محیط منسجم هنری هستند و می‌توانند با افراد حرفه‌ای مراوده داشته باشند، از این‌رو سریع‌تر پیشرفت می‌کنند اما متاسفانه برای رشته تصویرگری در مشهد، کسی دلسوزی نمی‌کند تا شاهد پیشرفتی باشیم.

در مشهد درباره تصویرگری آگاهی وجود ندارد

ملیحه کامیاب نیز دلایل کم‌رونق بودن برنامه‌های هفته تصویرگری در مشهد را این‌گونه توضیح می‌دهد: هفته تصویرگری چندسالی است که برگزار می‌شود؛ به همین علت هنوز در مشهد درباره آن آگاهی وجود ندارد و آن‌قدر جدی گرفته نمی‌شود. این تصویرگر نیز به نبود انجمنی مستقل برای این رشته اشاره می‌کند و از ضعف روحیه کار تیمی و حمایت نکردن هنرمندان از یکدیگر در مشهد می‌گوید: اگر تصویرگری جدی گرفته شود و سازمان‌هایی چون حوزه هنری که انجمن‌هایی برای نقاشی و پویانمایی تشکیل داده‌اند پای کار بیایند، انجمن تصویرگری می‌تواند تشکیل شود و پابرجا بماند. به نظر او فضای تصویرگری مشهد، زمانی بهبود می‌یابد که هنرمندان آن ذهنی سازنده داشته باشند و همکارانشان را رقیب خود ندانند.

چالشی از نوع آموزش

مژگان طائی‌نیا نگاه مثبت‌تری به فضای تصویرگری مشهد دارد. او در ابتدای صحبت‌هایش به برگزاری همایش‌های هفته تصویرگری به کوشش موسسه آموزش‌عالی فردوس در سال جاری اشاره می‌کند و این اتفاق را بعد از چند سال رکود برگزاری رویدادهای تصویرگری در مشهد، به فال نیک می‌گیرد. این تصویرگر نیز با بیان این نکته که همه تصویرگران پاتوق مشخص و مکانی برای تبادل‌نظر ندارند، ابراز امیدواری می‌کند که به‌زودی انجمنی مستقل برای تصویرگری تشکیل شود تا تصویرگران تازه‌کار و باتجربه بتوانند آنجا به بحث و تبادل‌نظر بپردازند و درکنار هم رشد کنند. این هنرمند بزرگ‌ترین چالش تصویرگران مشهدی را آموزش و سطح کیفی کار و تکنیک آن‌ها می‌داند. به نظر او برگزاری کارگاه آموزشی و افتتاح چندین آموزشگاه خوب تصویرگری در دو سال اخیر، سرفصل اتفاقات خوبی در مشهد بوده است.

زندگی با عکاسی

عکس رضوی؛ در انتظار عکس‌های حرفه‌ای و موبایلی

مهلت ارسال اثر به جشنواره ملی عکس رضوی تمدید شد

زوزنی| مهلت ارسال اثر به نهمین جشنواره ملی عکس رضوی دیروز به پایان رسید. بنا به آنچه محمدرضا محمدی، دبیر این جشنواره، در دومین نشست خبری عکس ملی رضوی گفت، مهلت ارسال اثر به سایت کانون عکس خراسان رضوی تا ۲۵آبان سال جاری تمدید شده است. محمدی گفت این تمدید بنا به درخواست شهرستان‌هایی که متقاضی شرکت در جشنواره بوده‌اند، صورت گرفته است و دوباره تکرار نخواهد شد. موسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی‌اجتماعی شهرداری مشهد و چند موسسه آموزش‌عالی در کنار اداره‌کل فرهنگ‌وارشاد اسلامی استان، نهمین دوره این جشنواره را ۱۲ تا ۱۴آذر در مجتمع امام‌رضا(ع) مشهد برگزار خواهند کرد. داوری این رویداد نیز بر عهده امیرحسین صفرلی، رسول اولیازاده، ابراهیم بهرامی، علیرضا عطاریانی، حمیدرضا گیلانی‌فر و کیارنگ علایی خواهد بود. علاقه‌مندان باید بعد از تکمیل فرم ثبت‌نام، آثار خود را در درگاه اینترنتی khorasanphotographers.com بارگذاری کنند. این دوره از جشنواره که پیش‌تر در تبریز برگزار می‌شد، در سه بخش حرفه‌ای، تلفن همراه و اردو برگزار خواهد شد؛ عکس‌هایی با موضوعات «اشاعه فرهنگ رضوی» با زیرشاخه‌های «عکاسی اجتماعی»(معارف و کرامات انسانی در سیره امام‌رضا(ع)، آداب زیارت، نماز، دعا و نیایش، ایثار و شهادت، آیین‌های دینی و مذهبی در جهان اسلام) و «عکاسی معماری»(عکاسی در هنر معماری و هنرهای اسلامی و حرم مطهر امام‌رضا(ع)، امامزادگان، عتبات، مسجدها و حسینیه‌ها) می‌توانند در این جشنواره حضور یابند. باتوجه‌به اینکه مهلت اولیه ارسال اثر به جشنواره سپری شده است، دور اول اردوها هم در حوالی دهه آخر صفر برگزار شد. در این اردو حدود ۹۰عکاس از سراسر کشور در چهار محور اصلی ورودی به مشهد مقدس زیرنظر شرمین نصیری، سیدجلیل حسینی‌زهرایی و قدیر وقاری به عکاسی از پیاده‌روی زائران مشرف به مشهد مقدس پرداختند. در دور دوم اردو که ۱۲آذر در حرم مطهر برگزار خواهد شد، راه‌یافتگان به جشنواره می‌توانند حضور یابند و عکس‌هایی را برای شرکت در سال‌های بعدی جشنواره عکاسی کنند.

دریچه

خداحافظی خشایار

خشایار اعتمادی با انتشار پستی در صفحه شخصی‌اش از دنیای موسیقی کناره گیری کرد

بزازان| خشایار اعتمادی در یک دهه گذشته کم‌کار شده بود. آخرین تک‌آهنگی که او سال گذشته با عنوان «خواهشا» منتشر کرد، نیز برایش حواشی بسیاری دربر داشت، تاجایی که به‌خاطر استفاده نادرست واژه‌ها در ترانه‌هایش از مردم عذرخواهی کرد اما درنهایت روز جمعه با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود، خبر خداحافظی‌اش را از دنیای موسیقی داد هرچند آن‌چنان که باید مورد توجه رسانه‌ها قرار نگرفت. اعتمادی در دهه ۷۰ با خوانش ترانه‌های شاعرانی چون احمد شاملو، افشین یدالهی، روزبه بمانی و... به شهرت رسید اما این شهرت برایش دوام چندانی نداشت، تاجایی که او اردیبهشت امسال در گفت‌وگو با روزنامه شهروند، دلیل کم‌کاری خود را شرایط حاکم بر موسیقی دانست و بر این باور بود که اوضاع موسیقی کشور به گونه‌ای نیست که بشود موسیقی خوب روانه بازار کرد: «اگر بنا را بر فضایی بگیریم که این روزها در آن نفس می‌کشیم، من خیلی خیلی خوشحالم که در این وادی که لیاقت آثار من و امثال من را ندارد، حضور پررنگی ندارم.» این اظهارنظر درخور توجه اعتمادی و به تبع خداحافظی‌اش از دنیای موسیقی درحالی است که خیلی از بزرگان موسیقی ایرانی همچنان استوار و پابرجا به کار خود در این وادی ادامه می‌دهند.

زندگی با موسیقی

اجرای خراسانی‌ها در جشنواره موسیقی نواحی

دومین روز جشنواره موسیقی نواحی ایران با منظومه‌خوانی نمایندگان شرق ایران همراه بود

ورشان| بخش اول اجراهای صحنه‌ای دومین روز از دوازدهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران به منظومه‌خوانی خراسانی‌ها اختصاص داشت. جمعه ۱۷آبان، کرمان و دشت شهداد، میزبان منظومه‌خوانی ابراهیم تیموری، عبدل احد درپور و فاروق درپور، راویان سبک موسیقی شرق خراسان و رضا محمدی، راوی منظومه‌هایی از شمال خراسان، بودند. پیش از این نیز محسن عسکریان به‌عنوان نماینده استان به‌روی صحنه رفته‌بود. همچنین روز گذشته در حاشیه این جشنواره، از نمایشگاه عکس دوازدهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران در مجموعه فرهنگی هنری «هومهر» شهر کرمان رونمایی شد. در این نمایشگاه، آثار گروهی از پژوهشگران و عکاسان ایران از جمله فواد توحیدی، داوود کهن‌ترابی، سیدرسول عزیزی، جمشید فرجوند، اسحاق آقایی، فریده زینیوند، سعید سروش، علی جعفری، فرزاد آریان‌نژاد، مهدی جابری، ملیحه لطفی و سیروس لطیفیان به نمایش درآمده است و بخش زیادی از تصاویر به خنیاگران موسیقی مقامی خراسان بزرگ تعلق دارد.

دوازدهمین جشنواره موسیقی نواحی که از ۱۶آبان آغاز به کار کرده است، تا ۱۹آبان ادامه خواهد داشت. در این دوره از جشنواره در فضایی غیررقابتی، گروه‌ها و هنرمندان مختلف شهرهای کشور در حوزه‌های تخصصی منظومه‌خوانی، آثار خود را در بخش‌های گوناگون اجرا می‌کنند.